یکپارچه، معادل فارسی احدیت

اما فرمودند: «یکپارچه»، این کلمه خوب است. تعبیر «چه» یک نحو پسوند است. خود «پار» مانند «پاره خط»، یک قطعه از چیزی است. به ذهنم آمد که بگویم «یکپار». به جای «یکپارچه» که حالت نقصی در واژه هست، بگویم خدای متعال هم «یکتا» است و هم «یکپار» است. یکتا، یعنی شبیه ندارد و تک است. یکپاره، یعنی ذات او نمی‌تواند پاره پاره شود و تقسیم شود. انقسام، پاره پاره شدن است؛ در مورد ذات او عدم انقسام است؛ یکپار است. این واژه‌ای است که اگر جا بگیرد و مقصود از آن روشن شود، به گمانم مناسبت دارد.

شاگرد: چرا همان کلمه‌ی بسیط را نمی‌گویید؟

استاد: ببینید «بسیط» مفهوم است، نه وحدت. «بسیط» یعنی آنچه که مرکب نیست و مبسوط است. در «بساطت»، وحدت مفهومی نخوابیده است؛ ولی ما در اینجا داریم وحدت را توضیح می‌دهیم. لذا باید بر بقای مفهوم وحدت محافظه‌کاری کنیم و لذا حضرت علیه السلام نفرمودند «بسیط»، فرمودند: «احدیّ‌المعنی». یعنی باز از مفهوم وحدت قرض گرفتند و فرمودند: «احدی المعنی» است. به این خاطر است که ما به‌دنبال یک می‌گردیم؛ واژه یک، واحد و وحدت را به نحوی به کار ببریم که به آن معانی که حضرت علیه السلام برای خداوند - احدی المعنی - به کار بردند، مناسب باشد و در آن نقص نباشد و بهترین واژه‌ای باشد که بتواند آن را برساند.

شاگرد: یکدست هم می‌شود.

استاد: یکدست و یکپارچه خوب است ... .

شاگرد 2: کلمه‌ی یکدست و یکپارچه، یعنی این طرف و آن طرفش یکسان است اما قابل انقسام هست.

استاد: بله؛ هر کدام از این واژه‌ها را که فکر کنید یک نقصی دارد. همان «یکپار» را هم که عرض کردم، اینچنین است. ولی خُب، باید بگویم طوری است که پاره‌بردار نیست. نه اینکه «یکپار» است. ولی خُب، وقتی مقصود معلوم شد، مانعی ندارد.

مثال ًجلوتر عرض کردم؛ واژه‌ی بسیار زیبای قرآنی «مسلّمة» - آن وصفی که قرآن کریم برای گاو بنی‌اسرائیل می‌آورد - خیلی عالی است. «مسلمة» به چه معنا است؟ «سلم» آن چیزی است که دستاندازِ در آن نیست؛ می‌گویند: «سلم محض». آنچه که سلامتی مطلق است، هیچ چیزی دخیل ندارد. لذا آن ارض میثاقی که همه‌ی ما آنجا بوده‌ایم، حضرت علیه السلام فرمودند که ارض سلام بوده است. یعنی آنجا شرک معنا نداشته است. در آن موطن، نه جای دیگر که در روایات دارد ...؛ در آن موطن اصلی که فرمود: «الست بربکم قالوا بلی»[1]؛ آن موطن الست، موطن سلم بوده است؛ «ارض السلام». به تعبیر بسیار زیبای قرآن کریم وقتی فرمودند آن گاو به چه صورت است، فرمود «مسلّمة». «مسلم» به چه معنا است؟ خود آیه توضیح می‌دهد. اگر توضیح نداده بود، سخت می‌شد؛ «مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا»[2]؛ خال خالی نیست. یکدست است. رنگ یکدست و یکپارچه دارد و لذا این روایت چقدر زیبا است؛ حضرت علیه السلام فرمودند: «القلب السلیم الذي یلقی ربّه

ولیس فیه أحد سواه»[3]؛ فقط خدا! سبحان اللّه! با چه خجالتی باید بگویی‌م. سلم یعنی غیر از خداوند هیچ چیزی در این قلب نیست. «شیء» ندارد. اگر ملائکه به ما نگاه کنند، پر از «شیء» است؛ «وَلَوْلَا تَمَرِيجُ قُلُوبِكُمْ وَأَتْزَيُّدُكُمْ فِي الْحَدِيثِ لَسَمِعْتُمْ مَا أَسْمَعُ»[4]؛ «تمریج» این است.

علی أی‌ّحال، «یکدست» هم واژه‌ای است که خوب است. این کلماتی که خدمت شما گفتم، چندین سال در ذهن من بود؛ اینکه بهترین واژه‌ها را در فارسی برای تعبیراتی که امام علیه‌السلام فرمودند، پیدا کنیم؛ همچنین در عربی؛ البته خود حضرت بهترین بیان را فرمودند. ولی مانعی ندارد که عبارات توصیفی را با تکواژه‌هایی که آن معانی توصیفی را می رساند، بیان کنیم.

مثلاً در سوره‌ی مبارکه توحید «و لم یکن له کفوا احد»، یک نحو احدیت را برای خداوند متعال ثابت می‌کند اما مقابل «کفو» است. «کفو» آن معنایی سومی است که امام علیه‌السلام فرمودند. «کفو» ندارد. اما اینکه در خود ذات او انقسام ممکن نیست، در کجای سوره‌ی مبارکه‌ی توحید است؟ «قل هو اللّه احد». یعنی با «کفوا احد» دو معنا باشد. احد اولی بساطتی است که لازم است. چون «اللّه احد»، «اللّه صمد». صمدیت خداوند متعال متفرع بر آن احدیت است. هر چیزی منقسم شود، دیگر صمد نیست. لازمه‌ی خیلی روشنی است. تا از احدیت بیرون آمدیم، انقسم فی وجود او عقل او وهم، لذا دیگر صمد نیست. صمد چیست؟ به تعبیری که حضرت علیه السلام فرمودند: «غیر مجوف». هر مخلوقی مجوف است؛ جوفش قابل تقسیم است. ظاهر، باطن و انواع اقسام چیزهایی که ینقسم فی وجود و وهم و عقل.

---

[1]. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۲: « وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۛ شَهِدْنَا ۛ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ».

[2]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۷۱.

[3]. علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار (چاپ مؤسسة الوفاء)، ج ۷۰، ص ۲۳۹.

[4]. مسند احمد بن حنبل (چاپ موسسة الرسالة)، ج ۳۶، ص ۶۲۶.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 فوریه 2024 17:22:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2024 13:26:33 توسط ... .